

عدالت اجتماعی

مرضیه نیک منش

چکیده

"مفهوم عدالت را مانند بسیاری از مفاهیم فلسفی و علمی، برای اولین بار فیلسوفان یونان باستان مورد بررسی عقلی و استدلالی قرار دادند. یونانیان باستان عمدتاً کمال را در طبیعت می‌جستند و انحراف از مسیر و منزلت طبیعی را موجب نقصان و خسران می‌دانستند." (۱)

اسلام نیز همواره به دنبال این بوده است که جامعه‌ای بر معیار عدالت بنا کند تا در سایه آن تمامی ارزش‌ها و معیارهای اخلاقی و انسانی تحقق پیدا کنند. اسلام معتقد است که عدالت انسان‌ها را از افراط و تفریط در زندگی فردی برحذر می‌دارد و اعلام می‌کند که قوام و دوام یک زندگی آرمانی بدنبال تحقق عدالت محقق می‌شود.

عدالت:

عدالت در لغت به معنای مساوات، ضد جور، عدم افراط و تفریط، دادگری کردن (۲)، عادل بودن و انصاف داشتن (۳) و در اصطلاح عبارتست از استحقاق و شایستگی‌ها.

عدالت از اساسی‌ترین بنیان‌های اسلام است که به موجب آن هر چیزی در جایگاه طبیعی خود نهاده می‌شود. از منظر اسلام اساس یک نظام اجتماعی در رعایت حق و عدالت است و نظامی که مبتنی بر عدالت باشد پایدار خواهد ماند. "العدل القوی اساس: عدالت محکم‌ترین بنیان است."

عدل و عدالت و معادله واژه‌هایی هستند که معنای مساوات و برابری را در بردارند. ازین رو یکی از اهداف جامعه مسلمان اینست که مردم در همه زمینه‌ها با هم برابر باشند. در یک جامعه‌ای که عدالت، محور اصلی امور و روابط است، تضاد و تبعیض جایی ندارد، استعدادها به سرعت شکوفا می‌شوند، فرصت‌های برابر اجتماعی-اقتصادی و سیاسی به افراد عرضه می‌شود و در نتیجه دولت حیات و دوام می‌یابد. به فرمایش گرامی امام علی (ع):

"دوام دولت‌ها وابسته به عدالت گستری است"

و در جایی دیگر می‌فرماید:

"العدل حیاة و الجور ممحاه: عدل و داد، حیات و زندگی و ستم، مرگ و نیستی است."

عدالت در نهج البلاغه نیز جایگاه پر اهمیت و ویژه‌ای دارد. بطوری که امام علی (ع) در نامه‌های فراوانی به یاران نزدیک خویش به ویژه مالک اشتر همواره بر دادگری و عدالت محوری تاکید می‌کنند.



ازین نمونه می‌توان به نامه ای که حضرت به مالک اشتر در مورد امتیاز دهی به وی مکتوب نمودند اشاره کرد:

"برای هر حاکم و دولتمردی عده ای یاران خاص و نزدیک وجود دارد که برخی از این افراد به امتیاز خواهی و ویژه خواری تمایل دارند و در معاملات انصاف را رعایت نمی‌کنند."

از منظر امام علی (ع) عدل همواره موجب گشایش و رفع فشارها و حل مشکلات می‌شود و هرکس از اجرای عدالت احساس فشار و سختی می‌کند یقیناً ظلم و جور، فشار و سختی بیشتری برای او به همراه خواهد داشت و همینطور معتقدند حق و عدالت در مقام شرح و توصیف امری فراگیر است ولی در مقام عمل امری بسیار محدود است.

نتیجه گیری:

وقتی در یک جامعه مبنای روابط اجتماعی-اقتصادی و سیاسی را عدل و داد قرار دهیم، جامعه رو به تکامل و پیشرفت و سعادت می‌نهد، امتیاز دهی و امتیاز خواهی سرکوب می‌شود و جامعه به یک جامعه آرمانی مبدل می‌شود که در سایه آن همه فضایل اخلاقی و انسانی محقق می‌شوند. و در آخر: خداوند در قرآن از مؤمنین می‌خواهد تا زبانشان را به گفتن حق و عدالت عادت دهند و می‌فرماید: "شما که ایمان دارید با عدل و انصاف رفتار کنید، و برای خدا گواهی دهید اگرچه بضرر خودتان یا پدر و مادر و خویشان، توانگر یا فقیر، باشد، بلکه خدا برعایت آنها شایسته است."

منابع:

(۱) اقتصاد و عدالت اجتماعی، مسعود نیلی

(۲) www.porsojoo.com

(۳) www.aftabir.com

